

است که مستودع باید عین مالی را که دریافت کرده است پس بدهد.^۱

نظر پذیرفته شده در همه سیستمهای حقوقی بانکی این است که در سپرده‌گذاری عام، وجوه سپرده شده به مالکیت بانک درمی‌آید و بانک در برابر سپرده‌گذار بدهکار می‌گردد.^۲ بنابر این سپرده‌گذار حقی نسبت به وجوه سپرده شده ندارد. بانک می‌تواند هرگونه تصرفی در سپرده‌ها که متعلق به خود اوست بنماید. اگر این وجوه گم شود یا مورد سرقت یا اختلاس قرارگیرد یا در آتش سوزی از بین برود مسئولیت متوجه بانک خواهد بود.

بنابر این میان سپرده‌گذاری پول و عقد ودیعه اموال عادی جدائی‌های زیر را می‌توان ذکر کرد:

- بانک بر خلاف ودیعه، تعهد نگاهداری عین وجوه سپرده را ندارد و می‌تواند در برابر دیدگان سپرده‌گذار این پول را به شخص دیگری تحویل دهد.

- بانک بر خلاف ودیعه، تعهد رد عین آن را ندارد. تعهد بانک رد معادل همان پولی است که از سپرده‌گذار دریافت کرده است.

- بانک بر خلاف ودیعه، ضامن استرداد پول به سپرده‌گذار است حتی اگر در تلف مرتکب هیچ تقصیری نشده باشد (اصل عدم مسئولیت که در ماده ۶۱۴ قانون مدنی آمده است نسبت به بانک قابل اجرا نیست).

بدین ترتیب در یک نگاه کلی می‌توان تعریف زیر را از سپرده‌گذاری بانکی ارائه کرد:

«سپردن وجوه به بانک قراردادی است که به موجب آن شخص مبلغ معینی پول را به بانک مورد نظر خود تسلیم می‌کند. بانکدار حق دخل و تصرف در این پول را به حساب شخصی خود دارد و در همین حال تعهد استرداد آن را به محض مطالبه مشتری بر پایه شروط پیش‌بینی شده در قرارداد خواهد داشت.»^۳

نوشتار دوم - سپرده‌گذاری در قانون عملیات بانکی

ماده ۳ قانون مورد بحث زیر عنوان «تجهیز منابع پولی» انواع سپرده‌گذاری بانکی را ذکر کرده است. بموجب این ماده:

1- Mazeaud, Lecons de Droit Civil, v2, no. 1519.

2- Mazeaud, Lecons de Droit Civil, no. 1518

- Chitty on contracts, specific contracts, no. 2206 , 2891

- The Guide to American Law, Volume 2, P. 41

- Black's Law Dictionary, deposit, p. 395

3- R. de Quenaudon, Juris Classeur Civil, Dépôt, P. 24

این تعریف برگرفته شده از ماده ۲ قانون ۲۴ ژانویه ۱۹۸۴ در زمینه فعالیت و کنترل موسسات اعتباری است.

«بانکها می‌توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند:

الف - سپرده‌های قرض الحسنه

۱- جاری

۲- پس انداز

ب - سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار

عناوین ذکر شده در این ماده با مفاهیم شناخته شده در بانکداری جهانی همسان نیستند. نظام بانکداری جهانی بر پایه‌های عرفی و حقوقی روشنی استوار شده است و بانکهای ایرانی نیز از نظر موضوعی نمی‌توانند از این چارچوب عرفی بیرون بروند. نویسندگان این قانون نیز موظف بوده‌اند در مورد بانکهای ایرانی که از نوع بانک بازرگانی هستند و نه بانک سرمایه‌گذاری، معیارهای عرفی جهانی را در زمینه انواع سپرده‌ها به رسمیت بشناسند و مجاز در ابداع مفاهیم نامربوط از پیش خود نبوده‌اند. برای توضیح بیشتر، هر کی از عناوین را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- سپرده قرض الحسنه^۱

این عنوان که در بند الف ماده ۳ آمده است برای یک بانک بازرگانی قابل پذیرش نیست. بانک بازرگانی نباید مجاز به پذیرش سپرده مردم تحت عنوان قرض الحسنه باشد. این عنوان درخور صندوق‌هایی است که با هدفهای نیکوکارانه تشکیل می‌شوند حجم عملیات این صندوق‌ها غالباً در مقایسه با بانکها ناچیز است و پول‌هایی که از اشخاص نیکوکار تحت عنوان سپرده بی‌بهره دریافت می‌کنند به آنها امکان می‌دهد وام‌های کوچک بی‌بهره برای برطرف کردن گرفتاری‌های نیازمندان بدهند. این صندوق‌ها نمی‌توانند جایگزین بانکهای بازرگانی که دارای توانائی‌های لازم برای جذب سپرده‌های مردم و دادن وام‌های بزرگ هستند بشوند. شاید بتوان گفت عنوان «سپرده قرض الحسنه» از نظر مفهوم نیز داری ایراد است. طبیعت سپرده، نوعی ودیعه و امانت است که بانک دریافت می‌کند ولی قرض در مورد وام‌هایی است که بانک به وام‌گیرندگان می‌دهد و به هر حال هیچیک از دو عنوان «سپرده جاری» و «پس‌انداز» را که در بانکداری عرفی پذیرفته شده است نمی‌توان از مصادیق قرض الحسنه دانست.

الف - سپرده جاری

اشخاصی که حساب جاری در یک بانک باز می‌کنند، قصد دادن قرض به بانک را ندارند تا

۱- اصطلاح «قرض الحسنه» نادرست است. واژه قرض در زبان عرب، مذکر و «الحسنه» مؤنث و صفت آن است که با موصوف مطابقت ندارد. در قرآن کریم نیز در ۱۲ آیه ترکیب «قرضاً حسناً» بکار رفته است (برای نمونه آیه ۲۴۵ از سوره بقره). در یک متن قانونی بکار بردن ترکیب‌های نادرست موجه نیست.

بتوان آن را قرض الحسنه توصیف کرد. حساب جاری بموجب قراردادی میان بانک و مشتری باز می‌شود و همه دریافتها و پرداختهای مشتری در ستون بدهکار و بستانکار این حساب ثبت می‌شود.^۱

معمولاً به حساب جاری بهره پرداخت نمی‌شود ولی این به معنی آن نیست که باگشایش حساب جاری و واریز وجوهی به این حساب، سپرده‌گذار قصد قرض داشته است. صرف اینکه در قرض الحسنه بهره وجود ندارد و در حساب جاری هم به صاحب حساب بهره داده نمی‌شود، دلیل وحدت ماهیت این دو عنوان حقوقی نیست. هدف از گشایش حساب جاری نوعاً گرفتن دسته چک است. در تعریف این حساب گفته شده است:

حسابی که برای یک مشتری باز می‌شود که وجوه خود را در یک بانک بسپارد و مشتری حق برداشت همه یا بخشی از موجودی این حساب را در هر زمانی برای خود حفظ می‌کند.^۲

به همین مناسبت اینگونه حساب در عرف بانکداری ما «دیداری» نامیده شده است. قواعد حقوقی حاکم بر حساب جاری با عقد قرض همسان نیست. در حساب جاری، بانک تعهد می‌کند چکهای صادره از سوی سپرده‌گذار از این حساب رابه شرط اینکه صادر کننده دارای سپرده کافی در حساب باشد پرداخت کند. هرگاه بانک، بی دلیل از پرداخت چک خودداری کند، سپرده‌گذار حق طرح دعوی برای هر زیانی که به دلیل تقصیر بانک متحمل شده است علیه بانک دارد. از سوی دیگر بر خلاف آنچه در مورد قرض دهنده و قرض گیرنده وجود دارد، این یک عرف جهانی برای بانکها است که نه تنها گاه‌گاه از مشتریان خود سپرده دریافت کنند بلکه به آنان اجازه دهند که بخشی از سپرده خود را و به اندازه‌ای که خود آنان مناسب می‌دانند از حساب جاری بیرون بکشند. بنابر این قاعده‌ای که بر پایه آن یک بستانکار نمی‌تواند درخواست پرداخت طلب خود را نسبت به بدهکار تجزیه کند و از او بخواهد بخشی از بدهی خود را بپردازد در سپرده جاری اجرا نمی‌شود. اگر چه یک درخواست پرداخت درست، شرط لازم برای طرح دعوی از سوی سپرده‌گذار علیه بانک به دلیل خودداری از پرداخت است با این حال حق صادر کننده چک بر اینکه این دعوی را علیه بانک در مورد خودداری از نقد کردن چک طرح کند و به شرط اینکه سپرده کافی در حساب داشته باشد به صرف خودداری بانک و بی‌آنکه مطالبه دیگری ضرورت داشته باشد فوراً ایجاد می‌شود. مسئولیت بانک در مورد خودداری از پرداخت چک مشتری، می‌تواند بر پایه

۱- دکتر ولی‌الله محمدی، بانک و عملیات بانکی، برگ ۴۰

2- "Compte Courant" Compte ouvert a un client qui dépose ses fonds dans une banque et se reserve le droit de les retirer en totalité ou en partie a n'importe quel moment". Le dictionnaire de Notre temps-1989 HACHETTE, P. 351

مسئولیت مدنی بانک و یا قرارداد استوار باشد^۱ این قواعد حقوقی که ویژه حساب جاری هستند بر تعهدات ناشی از عقد قرض قابل اجرا نیستند.

ب - سپرده پس انداز

حساب پس انداز نیز از سپرده گذاری های رایج بانکی است. ویژگی آن این است که وجوه به مدت نامعین به یک حساب واریز می شود و در برابر آن، بانک دفترچه پس انداز برای مشتری صادر می کند و هر دریافت و پرداختی در این دفترچه ثبت می شود. بانکها عموماً به این سپرده ها بهره می پردازند و صاحبان سپرده انتظار دریافت بهره سپرده پس انداز خود را دارند. در قرض الحسنه، قصد نیکوکاری وجود دارد و وام دهنده برای کمک به دیگری بخشی از وجوه خود را به رایگان و بی انتظار بهره برای بر طرف کردن نیازمندی دیگری به او پرداخت می کند. بنابر این سپرده پس انداز نیز از مصادیق عقد قرض نیست. صرف نظر از اینکه در عرف بانکداری به سپرده پس انداز بهره داده می شود.

ماده ۵ قانون تأسیس بانک ملی ایران که در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ خورشیدی به تصویب رسید و نخستین قانون بانکداری در ایران است به یک توصیف حقوقی درست پرداخته و چنین مقرر داشته است:

«بانک مجاز است و دایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و برای پیشرفت تجارت و فلاح و صنعت پول قرض دهد مشروط به اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول و یا ضمانت شخص یا اشخاص که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا موسسات معتبره تأمین گردد». در یک مقایسه ساده می توان گفت آوردن عنوان قرض الحسنه در بند الف ماده ۳ برای سپرده های جاری و پس انداز بی تناسب است و هیچ توجیهی ندارد جز آنکه با بانکداری عرفی در ایران لباس شرعی پوشانده شود.

۲- سپرده سرمایه گذاری مدت دار

سپرده مدت دار که در اصطلاح بانکی time deposit نامیده می شود، سپرده ای است که برای مدت معین در حساب نهاده می شود. سپرده گذار باید پیش از برداشت از این حساب خطاری به بانک بدهد. افزودن وصف «سرمایه گذاری»، به این نوع سپرده ها طبیعت آن را دگرگون نمی سازد. اشخاص با انگیزه های گوناگون سپرده های خود را برای مدت های معین در اختیار بانک قرار می دهند و بانکها برحسب کوتاهی و بلندی مدت، به این سپرده ها بهره می پردازند. در اینجا نیز درست تر آن بود این قانون از اصطلاحات جا افتاده در عرف بانکداری استفاده کند. هدف از

افزودن وصف «سرمایه‌گذاری» برای سپرده‌های مدت‌دار آن بوده است که به گونه‌ای برای تبصره ماده ۳ زمینه‌سازی شود.

۳- وکالت بانک از سپرده‌گذار

تبصره ماده ۳ به توصیف نقش بانک در بکار گرفتن سپرده‌های مدت‌دار پرداخته و می‌گوید: «سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در بکار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد».

هدف از این تبصره که ستون اصلی چادر برافراشته شده از سوی نویسندگان این قانون است چه می‌باشد؟ آشکار است چون بانکها در برابر پذیرش سپرده‌ها، لزوماً و ضرورتاً باید بهره بدهند و این بهره، ربا دانسته شده است بنابراین عنوان (سپرده - بهره) که پایه کار هر بانک بازرگانی است کنار گذارده شده و روش (سپرده - وکالت - سود) را جانشین آن ساخته‌اند. فرض وکالت بانک از سپرده‌گذاران مستلزم این است که سپرده در مالکیت سپرده‌گذار باقی است و در ملکیت بانک وارد نشده است و بانک تنها به عنوان وکیل و امین حق تصرف در سپرده‌ها را دارد. این فکر به احتمال فراوان از نوشته شهید محمدباقر صدر زیر عنوان «بانک اسلامی» برگرفته شده است. در بخشی از این اثر پس از بیان مقدماتی در این زمینه چنین آمده است:

«بدین ترتیب توانستیم نشان دهیم که سپرده در مالکیت صاحبش باقی می‌ماند و از حالت قرض خارج می‌شود و نیز بهره‌هایی که به صاحبان سپرده‌ها پرداخته می‌شود از حالت بهره‌های ربوی که به قرض داده می‌شود خارج می‌گردد»^۱.

نامبرده همچنین در پیوست یکم این اثر، روشهای فقهی رامورد بحث قرار داده تا بهره ربوی را به کسب حلال تبدیل نماید و در توجیه شماره ۶ در بحث از وامهایی که بانک به اشخاص می‌پردازد می‌گوید:

«بانک می‌تواند خویش را وکیل صاحبان سپرده در قرض دادن بدانند. پس وقتی از سپرده‌های موجود نزد خود قرض می‌دهد، مالکیت صاحبان سپرده‌ها محفوظ می‌ماند و بانک به اعتبار صاحب اختیار بودن در قرض دادن آنها، به این عمل اقدام می‌کند. بنابر این طلبکار و قرض دهنده، در واقع صاحب سپرده است نه بانک. فقط وکیل قرض دهنده است تا به نحوی که شایسته می‌بیند پولش را قرض بدهد. در این حالت، بانک می‌تواند ضمن عقد قرض به قرض کننده شرط کند که در موقع بازپرداخت پول، اضافه‌ای بپردازد. اما نه به قرض دهنده بلکه به خود بانک. این اضافه، ربا نیست زیرا با اضافه‌ای است که قرض دهنده بر قرض کننده شرط می‌کند که موقع بازپرداخت پول به وی بدهد»^۲.

۱- محمدباقر صدر، بانک اسلامی، ترجمه ح. ا. خنجی، برگ ۱۵۱

۲- محمدباقر صدر، بانک اسلامی، ترجمه ح. ا. خنجی، برگ ۱۲۲

نوشتار سوم - ماهیت حقوقی سپرده گذاری بانکی

در کشور ما بانکها دارای سابقه چندانی نیستند ولی در کشورهای اروپائی به لحاظ آنکه نزدیک به سه سده از تاسیس بانکداری نوین می‌گذرد حقوقدانان و دادگاهها در زمینه سپرده گذاری بانکی بحث‌های فراوان کرده‌اند. برای روشن شدن موضوع به بررسی این مسئله در چند نظام حقوقی پیشرفته می‌پردازیم:

۱- حقوق فرانسه:

طبیعت سپرده گذاری در موسسات بانکی از دورانهای دور گذشته و در حقوق رم مطرح بوده و مسئله انتقال مالکیت سپرده به بانک مورد توجه قرار گرفته است. «پوتیه pothier» حقوقدان معروف که از نویسندگان قانون مدنی این کشور است قبل از ۲۰۰ سال پیش نظریه «امانت بر خلاف قاعده»^۱ را ارائه کرد که بر پایه آن، سپرده گیر، مالک سپرده می‌شود و حق دارد آزادانه در آن تصرف کند با این قید که به محض درخواست، مثل آن را استرداد کند. به نظر این مولف، سپرده گذاری از انواع ودیعه است و از حیث اینکه مدت در آن وجود ندارد از عقد قرض جدائی می‌گیرد در حالیکه عقد قرض همیشه مستلزم مدت است. این اندیشه تا امروز نزدیکترین تعبیر از این پدیده بانکی است.^۲

ودیعه هنگامی بر خلاف قاعده است که طرفین توافق دارند که امین «عین» مال موضوع امانت را پس ندهد و مثل و مانند آن را به مالک رد کند. این نوع ودیعه در مورد اموالی واقع می‌شود که طرفین آنها را مثلی می‌دانند و منظور از مثل یعنی از همان نوع و به همان مقدار. در این نوع امانت، امین مالک مال موضوع امانت می‌شود و می‌تواند از آن بهره برداری کرده و در آن دخل و تصرف کند.^۳ و همچنین بر اثر تلف یا حوادث دیگر بری نمی‌شود. با این حال، نظر برتر در حقوق فرانسه این است که اذن مالک بر اینکه طرف مقابل مثل مال را پس بدهد، وصف ودیعه بودن آن رازائل نمی‌سازد.^۴

بر این پایه، سپرده گذاری عام که اشخاص پول خود را به بانکها می‌سپارند، مصداق روشن امانت بر خلاف قاعده است. بانک مالک سپرده می‌شود و با بدست آوردن مالکیت، هر تصرفی در این سپرده‌ها انجام می‌دهد از سوی خود و به گونه اصیل می‌باشد نه وکیل. از سوی دیگر این حقیقتی است هنگامی که شخصی وجوه نقدی خود را به بانک می‌سپارد انگیزه و پیشنهاد او این

1- "depositum irregulare"

2- J. Hamel G. Lagarde A. Jauffret, Traité de Droit Commercial, T. 2 no. 1636

3- Mazeaud, no. 1518- Planiol, Traité élémentaire de Droit Civil, no. 2868

4- R. de Quenaudon, Juris Classeur Civil, Depot, no. 161

است که نگهداری و حفاظت از این وجوه از گردن او برداشته شود و به بانک واگذار گردد.^۱ نظر دیگری که در حقوق فرانسه ابراز شده مقایسه سپرده گذاری بانکی با عقد قرض است. این برداشت بر پایه شیوه برخورد بانک با سپرده گذار استوار است. از نظر بانکدار سپرده گذار، وجوه خود را به بانک وام می دهد.^۲ و بر همین پایه گروهی از مؤلفین فرانسوی بر این عقیده اند که باید سپرده گذاری بانکی را از قواعد مربوط به ودیعه و امانت بیرون دانسته و در تایید این نظر اظهار می دارند:

- ودیعه، خواه معمولی یا برخلاف قاعده، تعهد حفاظت را برای امین به وجود می آورد. اگر سپرده بانکی از مصادیق امانت باشد، بانک باید معادل مبلغ سپرده را همیشه در صندوق خود داشته باشد و این تعهد مشمول تضمین کیفری ماده ۴۰۸ قانون جزا یعنی جرم خیانت در امانت قرار می گیرد و حال آنکه چنین تعهدی را نمی توان به بانک تحمیل کرد. بانک باید مجاز در تصرف آزادانه و پرداخت وام با بکار گرفتن همه سپرده ها بوده و اگر در وضعی قرار گیرد که نتواند سپرده ای را باز پس دهد با کیفر خیانت در امانت روبرو خواهد بود.

- و در پاسخ به دیداری بودن سپرده گذاری و مدت دار بودن عقد قرض می گویند، هیچ قاعده حقوقی وام دهنده را منع نمی کند از اینکه حق استرداد بی مدت یا عندالمطالبه بودن قرض را برای خود حفظ کند. همچنین می افزایند ماه ۱۹۰۰ قانون مدنی فرانسه که به دادگاه اجازه می دهد، در قرض بی مدت، به درخواست وام گیرنده مهلتی به او بدهد یک قاعده آمره محسوب نمی گردد.^۳

تنها در موردی که سپرده گذاری برای منظور خاص باشد،^۴ به نظر این گروه سپرده دارای وصف امانت برخلاف قاعده است نه قرض. مانند اینکه شرکتی وجوه لازم را به بانک می سپارد برای اینکه بانک قبض های مربوط به آن شرکت را بپردازد. در این مورد بانکدار با قید تضمین کیفری خیانت در امانت، باید همیشه در صندوق خود معادل مبلغ وجوه دریافت شده را تا هنگام تحقق آنچه بر او مقرر گردیده است نگهداری کند. تعهد بانک در این مورد، حفاظت به معنی خاص کلمه است. گاهی تخصیص وجوه به موضوع ویژه، در جهت منافع بانک است، مانند اینکه مانده یک حساب برای تضمین حساب دیگری اختصاص یافته است و یا پرداخت وجه الضمان. و گاه در جهت منافع ثالث است مانند اینکه موجودی یک حساب به گونه موقت به سود دارنده یک چک مسدود می گردد. در این مورد آشکار است که سپرده گذار نمی تواند وجوه خود را بخواهد مگر آنکه هدفی که این وجوه به آن تخصیص یافته پایان پذیرفته باشد.^۵

1- Juris Classeur, no. 219

2- Juris Classeur, no. 219

3- J. Hamel, etc., T. 2 no. 1640

4- Le Dépôt Avec Affectation Spéciale

5- J. Hamel, no. 1642

با این حال به نظر دیگر مؤلفان جدائی قرارداد وام با سپرده گذاری بانکی در این است که سپرده گذاری نوعاً دیداری است و مالک سپرده، با شروطی می تواند استرداد سپرده را بخواهد و این بر خلاف مهلت الزام آوری است که برای استرداد وام وجود دارد و ضرورتاً در قرارداد وام درج می شود.^۱ همچنین تکلیف استرداد مثل سپرده برای بانک، یک تکلیف مطلق است و به همین جهت بموجب بند ۲ ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی فرانسه در صورتی که بانک به گونه ای از سپرده گذار بستانکار شود حق اعلام تهاتر نخواهد داشت.^۲ و حال آنکه بدهی ناشی از عقد قرض همیشه قابل تهاتر است.

و سرانجام پاره ای از حقوقدانان سپرده گذاری بانکی را یک قرارداد بی نام دانسته اند که متضمن توضیحی نیست. وجه مشترک این نظرات حقوقی در این است که در هر حال، بانک مالک سپرده می شود و تکلیف استرداد مثل آن را به سپرده گذار دارد. به همین دلیل است که دیوان تمیز فرانسه بی آنکه وارد توصیف های مزبور شود به مسئله اصلی پرداخته و چنین اظهار نظر کرده است که: «دارنده حساب (بانکی)، یک بستانکار از بانکدار است».^۳

۲- حقوق انگلیس:

در حقوق انگلیس در زمینه سپرده گذاری بانکی که مهمترین ارتباط بانکها و مشتریان است، بی آنکه به توصیف آن در زیر عنوان یکی از قراردادهای ویژه بپردازند به جوهر رابطه بانک و سپرده گذار پرداخته اند. به نظر حقوقدانان این کشور، هنگامی که یک بانکدار حسابی برای مشتری باز می کند، رابطه ای که میان آنان بر پا می شود، رابطه بدهکار و بستانکار است. هنگامی که در این حساب سپرده ای وجود دارد، مشتری بستانکار و بانکدار بدهکار می باشد. بنابر این وجوه سپرده از سوی سپرده گذار، در مالکیت بانکدار می باشد.^۴ همچنین گفته شده است که معمولاً رابطه میان بانکدار و مشتری، جنبه امانی ندارد^۵ به این معنی که بانک تکلیفی ندارد نتایج اقدامات خود را برای سپرده گذاران افشاء کند و به جز در موارد خاصی که بانک یک نماینده امین محسوب می گردد، وظیفه خاص حفاظت و نگهداری این وجوه را هم ندارد.^۶ در حساب جاری نیز رابطه میان بانکدار و شخصی که حساب جاری برای او باز شده است، همانند دیگر سپرده ها، رابطه

1- ph. malaurie, Dépôt bancaire, no. 871

2- Mazeaud, no. 1518

3- ph. Malaurie, no. 871

4- Chitty on contracts, Aspects of Banking Law, no. 2891 "... The customer is the creditor and the banker the debtor. Consequently, Funds deposited by the customer become the bank's money".

5- Chitty on contracts, no. 2892 "Usually the relationship of banker and customer is not of filduciary nature".

6- Chitty on contracts, no. 2892

بدهکار و بستانکار است. با این حال بدهکار، تنها به هنگام درخواست و در همان شعبه‌ای که حساب در آن باز شده است پرداخت می‌شود. بنابر این بانک تکلیفی در یافتن بستانکار و پرداخت طلب او ندارد.^۱

۳- حقوق آمریکا:

در رویه قضائی این کشور رابطه میان بانکدار و سپرده‌گذار، ارادی و اختیاری است. بانک می‌تواند مشتریان خود را به دلخواه برگزیند و اقدام بانک در پایان بخشیدن به یک حساب نمی‌تواند مورد اعتراض قرار گیرد. بانک ممکن است یک سپرده‌گذاری عام را امروز بپذیرد و فردا به دلائل مورد نظر خود، مبالغ سپرده را به صاحبش بازگرداند و از ادامه کار با سپرده‌گذار خودداری کند. به سخن دیگر برای ایجاد رابطه سپرده‌گذاری، باید قراردادی میان یک سپرده‌گذار فرضی با بانک وجود داشته باشد. در موارد معمولی، قرارداد سپرده‌گذاری ضمنی است. سپرده‌گذار، پول، وجوه و یا طلب خود را به بانک تسلیم می‌کند که سپرده او را تشکیل می‌دهد و در برابر آن بانک تعهد بازپرداخت مبلغ معادل آن بر حسب درخواست و یا به دستور سپرده‌گذار خواه با بهره یا بی‌بهره بر حسب طبیعت حساب بعهد می‌گیرد. علت قانونی "Consideration" تسلیم وجوه و یا سوی سپرده‌گذار به بانک، این است که بانک تعهد پرداخت بهره می‌کند و یا آنکه به موجب قرارداد مطلق و بی‌قید و شرط، تعهد پرداخت چکهای صادر شده از سوی سپرده‌گذار را در حد موجودی او می‌پذیرد.^۲

در حقوق این کشور همچنین تصریح شده است که این یک قاعده بنیادی در حقوق بانکی است که در سپرده‌گذاری عام پول، همان لحظه‌ای که پول سپرده می‌شود به مالکیت بانک در می‌آید و بانک و سپرده‌گذار رابطه حقوقی بدهکار و بستانکار را بعهد می‌گیرند. اثر حقوقی این قرارداد آن است که وامی به بانک داده می‌شود و بانک در برابر آن صریحاً یا به گونه ضمنی تعهد پرداخت یا بازپرداخت مبلغ سپرده را به محض درخواست می‌کند. بنابر این هیچگونه رابطه «تراست» و یا امانی در این قرارداد وجود ندارد. این قرارداد از نوع ودیعه و یا سپرده خاص که به بانک تسلیم می‌شود نیز نمی‌باشد. وجوهی که بانک به این ترتیب دریافت می‌کند با دیگر سرمایه‌های بانک درهم می‌آمیزد و بانک می‌تواند وام دهد یا به گونه دیگری در آن دخل و تصرف کند. در واقع اگر این وجوه گم شود، یا سرقت شده یا بی‌ارزش گردد بانک باید زیان را بپذیرد هرچند که بی‌مبالاتی یا خطایی نکرده باشد. بانک تنها بدهکار در برابر سپرده‌گذار می‌گردد. با این حال در حقوق آمریکا سپرده بانکی عام از یک دین عادی جدا می‌شود از این جهت که سپرده به

1- Chitty on contracts, no. 2906

2- American Jurisprudence, Volume 7. Banks, no. 442